

فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۱

فرماندهی معظم کل‌قوا: اگر امنیت ملی نباشد هیچ دولتی نمی‌تواند کار کند، برای سازندگی، هیچ سنگی روی سنگ گذاشته نخواهد شد. وقتی که هرج و مرج و ناامنی باشد، هیچ مشکلی از مشکلات مملکت حل نخواهد شد؛ نه اقتصاد مردم، نه فرهنگ مردم، نه مسائل اجتماعی مردم، نه مسائل سیاسی مردم. وقتی امنیت نبود، همه اینها از بین خواهد رفت.

بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حسین مینایی^۱ و یعقوب زهدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۳

تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۶

چکیده

امنیت ملی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر کشوری است. امنیت ملی، وضعیت چندجانبه‌ای تلقی می‌شود که این موضوع، تحقیق آن را پیچیده می‌نماید. بر این اساس، تلاش مقاله حاضر، پردازش مؤلفه‌های امنیت ملی از منظر عوامل فرهنگی و اجتماعی است. عوامل اجتماعی و فرهنگی در بین عوامل قدرت ملی، بزرگ‌ترین نقش را در جهت نیل به امنیت ملی ایفا می‌نمایند و نقش آفرینی سایر عوامل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل در همه جوامع تعیین‌کننده بوده و عملکردهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند. در بعضی جوامع، عوامل فرهنگی و اجتماعی در نقش نیروی ظاهر می‌شوند که افراد جامعه را به سوی یکدیگر می‌کشاند، به گونه‌ای که همبستگی اجتماعی در بین آنها هویت اجتماعی واحدی ایجاد می‌کند. گاهی عوامل فرهنگی و اجتماعی موجب واگرایی و ازهم‌پاشیدگی می‌گردد که امنیت ملی را آسیب‌پذیر می‌نماید. در این تحقیق، با استفاده از رویکرد سازه‌نگاری، میزان انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی ج.ا. ایران، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امنیت ملی، انسجام اجتماعی، تغییرات جمعیتی، تهدید.

۱. هیئت علمی دافوس آجا

۲. هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

کشورها از ابعاد مختلف از جمله امکانات مادی و معنوی همچون موقعیت راهبردی، منابع طبیعی، جمعیت، سطح رشد اقتصادی، انسجام داخلی و ثبات سیاسی در یک سطح نیستند. به همین دلیل، تصورات و توقع‌های آنها از حدود منافعی که در جامعه بین‌المللی یکسان نیست و ابزارها و امکانات آنها از نظر پیشبرد آن منافع، متفاوت است. منافع دولت‌ها، گاهی با یکدیگر متفاوت است و موجب بروز اختلاف و کشمکش بین آنها می‌شود (روشندل، ۱۳۸۸: ۳). کوشش برای بالا بردن میزان امنیت ملی یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های دولت‌ها و یکی از پایه‌های سیاست خارجی آنهاست (روشندل، ۱۳۸۸: ۴).

آنچه در بین تمامی ملل به‌عنوان عوامل ناامنی مشترک در حوزه عوامل فرهنگی و اجتماعی مطرح می‌باشد، در برگیرنده شاخص‌هایی مانند مسائل قومی، نژادی و مذهبی، هویتی، توسعه‌یافتگی مناطق مختلف، تغییرات جمعیتی اعم از مهاجرت به شهر و توسعه حاشیه‌نشینی، مهاجرت و تغییرات جمعیتی نخبگان و... می‌باشد، که در صورت ضعف و یا گسترش بی‌رویه، می‌تواند امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد و کشور را با مشکلاتی فراوان مواجه سازند.

انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی، از مؤلفه‌های عوامل فرهنگی و اجتماعی قدرت ملی محسوب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۸) و قدرت ملی، مؤثرترین ابزار تأمین امنیت ملی به‌شمار می‌رود (روشندل، ۱۳۸۸: ۹۹). این مؤلفه‌ها، مقوله‌های مهمی هستند که با توجه به شاخص‌های مطرح شده، همواره در بحث امنیت ملی مطرح و بر امنیت ملی اثرگذار می‌باشند. حال پرسش این است که انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی که در همه جوامع از نظر امنیتی قابل بحث هستند، در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به چه میزان مؤثر می‌باشند؟ افزایش یا کاهش ابعاد آنها به چه میزان در امنیت ملی

ج.۱. ایران مؤثر است؟ محقق این پرسش را از دیدگاه فارغ‌التحصیلان دوره نظری دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی بررسی نموده است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت موضوع

در واقع در مرکز مفهوم امنیت ملی می‌توان قدرت و ارزش را مشاهده کرد؛ قدرت به اعتبار جنبه ابزاری و ارزش به اعتبار جنبه غایی. به همین دلیل قدرت را نیز می‌توان به‌عنوان یک ارزش که حفاظت و مراقبت از آن اهمیت دارد، مورد توجه قرار داد، بنابراین بقای قدرت ملی از بالاترین ارزش‌های هر واحد سیاسی است که ممکن است مورد تهدید قرار گیرد (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۹).

شکاف‌های اجتماعی از قبیل شکاف‌های قومی، نژادی، زبانی و مذهبی کم و بیش در جوامع مختلف وجود دارد. جوامع دارای چنین شکاف‌ها و تمایزهای اجتماعی، از نظر چالش‌های ناشی از این‌گونه شکاف‌ها وضع یکسانی ندارند. دسته‌ای از آنها باوجود شکاف‌های اجتماعی، در فرایند ملت‌سازی موفقیت کسب کرده‌اند (مانند بسیاری از کشورهای آفریقایی). دسته دیگر در دوران جدید با ساخت ملت- دولت، شکاف‌ها را تحت واپایش (کنترل) درآورده‌اند (مانند برخی از کشورهای اروپایی). دسته سوم که با تاریخ طولانی خود به‌طور تدریجی و طبیعی، گروه‌های مختلف را با عنوان یک جامعه یا ملت در کنار یکدیگر هم‌نشین کرده‌اند (مانند جامعه ایران) (ره‌پیک، ۱۳۸۶: ۱۶۳).

تغییرات جمعیتی در اشکال مختلف اعم از تغییرات طبیعی یا غیرمترقبه، تغییرات کُند یا تَند، تغییرات کمی (کاهش یا افزایش) یا تغییرات کیفی (مانند دگرگونی نسلی)، تهدیدهایی برای جامعه مفروض ایجاد می‌نمایند و ضرورت دارد، مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

در ابتدای سال ۱۳۹۱ مقام معظم رهبری، ۱۰ موضوع را برای برنامه‌ریزی و تعیین روش‌ها به مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان اولویت‌های مجمع ابلاغ فرمودند.

مسئله جمعیت، نخبگان و هویت سه مورد از آنها بود که در این مقاله به آنها نیز پرداخته شده است. تعیین این اولویت‌ها از سوی مقام معظم رهبری، اهمیت موضوع مورد تحقیق را نمایان‌تر و نیاز به تحقیق در این زمینه را بیش از پیش ضروری کرده است.

۳-۱. پیشینه تحقیق

درباره امنیت و امنیت ملی، نظرات و مطالعات فراوانی مطرح است؛ چرا که امنیت ملی به‌عنوان موضوعی مشترک در تمامی کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عمده‌ترین نظرات و مطالعات در حوزه امنیت در قالب دو رویکرد اثبات‌گرایی و سنتی امنیت و رویکردهای فرائیبات‌گرایی مطرح هستند. مطالعات امنیتی واقع‌گرایانه، مطالعات امنیتی لیبرالیستی، مکتب امنیتی جهان سوم و مکتب کپنهاگ به‌عنوان رویکردهای اثبات‌گرایانه و سنتی امنیت در یک مجموعه قرار دارند. رویکردهای فرائیبات‌گرایانه شامل مطالعات امنیتی فراساختارگرایان، مطالعات امنیتی انتقادی و زن‌باوری (فمینیستی) می‌باشند. مطالعات امنیتی سازه‌انگاران نیز یکی دیگر از رویکردهای امنیتی است. نظریه‌ها و نظام‌های امنیتی دیگری مانند نظریه امنیت منطقه‌ای، نظریه تهاجم-دفاع، ایده امنیت مشترک، نظام دفاع غیرتهاجمی، نظام امنیت دسته‌جمعی و نظام امنیت همکاری‌جویانه نیز مطرح می‌باشند (عبدل...خانی، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۴).

تری تریف و دیگران، امنیت را در قالب نظریه‌هایی همچون واقع‌گرایی، نوواقع‌گرایی، نولیبرالیسم، بررسی‌های صلح، زن‌باوری، فرایافت‌باوری (فرائیبات‌گرایی)، و چالش‌های فراملی بررسی نموده‌اند (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸). رویکرد سازه‌انگارانمانند ایمانوئل آدلر^۱، مایکل بارنت^۲، پیتر کاتزنشتاین^۳ و الکساندر ونت^۴ این است که بین

1. Emanuel Adler
2. Michael Barentt
3. Peter Katzenstein
4. Alexander Wendt

نظام‌های داخلی و بین‌المللی ارتباطی برقرار کنند و بازیگران امنیت داخلی و خارجی را مرتبط با یکدیگر بدانند (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۸۵). این گروه افزون بر بُعد عینی امنیت به جنبه ذهنی آن نیز معتقدند و بر این عقیده هستند که امنیت در بُعد عینی بیشتر معطوف به تهدیدهای خارجی است و به حفظ مالکیت و قلمرو نظر دارد، اما امنیت در بُعد ذهنی، صرف‌نظر از حفظ سرزمین و حاکمیت به چگونگی زندگی و شیوه‌های زندگی نیز نظر دارد و این مقوله‌ای است که ابعاد فرهنگی و اجتماعی امنیت ملی به آن می‌پردازد. محقق با الهام از نظرات این گروه، بررسی خود را انجام داده است.

نویسندگان مختلفی در حوزه‌های مشابه موضوع مورد تحقیق، مقاله‌ها و کتاب‌های مختلفی را تحریر نموده‌اند. دانشگاه عالی دفاع ملی در قالب فصل دوم کتابی، مطالبی را پیرامون تهدیدهای ناشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی قدرت ملی طرح کرده و با هدف تدوین مبانی نظری مباحث قدرت و تهدیدها، مواردی را مورد بحث و بررسی قرار داده است (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۳۵).

بوزان و همکارانش در اثری با عنوان «امنیت: چارچوبی جدید برای تحلیل» در ارتباط با برخی شاخص‌ها در مؤلفه اجتماعی قدرت ملی مانند انطباق مرزهای جغرافیای و مرزهای هویتی مطالبی را بیان کرده است (Buzan et al, 1998).

ره‌پیک، در اثری با عنوان «ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اتحاد و همبستگی ملی»، که در مجموعه مقاله‌های همایش همبستگی و اتحاد ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک، به چاپ رسیده است، در مورد انسجام و تجانس اجتماعی، یادآور شده است که جامعه ایران با تاریخ طولانی خود، به‌طور تدریجی و طبیعی، گروه‌های مختلف را به‌عنوان یک جامعه یا ملت در کنار یکدیگر هم‌نشین کرده است (ره‌پیک، ۱۳۸۶).

«تقی‌لو» در اثری با عنوان «تنوع قومی، سیاست چندفرهنگی و الگوی شهروندی»، که در فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۳۵ به چاپ رسیده است، پیرامون شاخص تنوع قومی و ارتباط آن با امنیت ملی، مطالبی را بیان کرده است (تقی‌لو، ۱۳۸۶).

«خلیلی» در مقاله‌ای که در فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۱۴ به چاپ رسیده است، به موضوع مهاجرت نخبگان در عصر اطلاعات، پرداخته است (خلیلی، زمستان ۱۳۸۰). نخبگان از شاخص‌هایی است که محقق در تحقیق حاضر به‌عنوان یکی از شاخص‌های مؤلفه اجتماعی قدرت ملی به آن پرداخته است.

در ارزیابی آثار اشاره شده باید گفت که بیشتر آثار یا به برخی از شاخص‌های مورد نظر محقق پرداخته و یا اینکه در برخی از آنها تنها به یکی از زیرشاخه‌های مؤلفه‌های مورد نظر پرداخته‌اند و هیچ‌کدام به‌طور کامل، اثر شاخص‌های منظور شده در این تحقیق را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بیان ننموده‌اند. تحقیق‌های مرتبطی نیز از سوی مؤسسه‌هایی مانند رند^۱ در آمریکا پیرامون این موضوع به ثبت رسیده است، که به‌دلیل عدم تطبیق جامعه آمریکا با جمهوری اسلامی ایران از بیان آنها خودداری شده است.

۴-۱. پرسش تحقیق

از دیدگاه فارغ‌التحصیلان دوره نظری دکتری امنیت ملی دعا، انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

۵-۱. روش گردآوری اطلاعات

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. اطلاعات این تحقیق از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع با استفاده از مطالعات میدانی دیگران، کتاب‌ها، مقاله‌ها و نظریه‌های دیگران گردآوری شده است. در روش میدانی به کمک پرسشنامه، آرای متخصصان و صاحب‌نظران تحصیل کرده در رشته امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، گردآوری شده است.

همچنین اطلاعات پرسشنامه با استفاده از طیف لیکرت تهیه و با بهره‌گیری از نرم‌افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱-۶. جامعه و نمونه آماری تحقیق

جامعه آماری تحقیق، شامل فارغ‌التحصیلان دوره دکتری امنیت، دانشگاه عالی دفاع ملی در سه سال گذشته می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق بر این اساس بود که جامعه فارغ‌التحصیلان دوره دکتری امنیت به‌طور همه‌شمول در نظر گرفته شده است. در این جامعه، نظامیان شاغل و بازنشسته در نیروهای مسلح اعم از ارتش ج.ا.ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ناجا و وزارت دفاع و نیز فارغ‌التحصیلانی از مجلس شورای اسلامی، وزارت خارجه و وزارت اطلاعات مورد پرسش قرار گرفته‌اند. پرسش‌نامه برای همه صاحب‌نظران ارسال گردید، که ۵۰ نفر از آنها به پرسش‌ها پاسخ داده‌اند.

۱-۷. نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق، کاربردی و روش اجرای تحقیق بر اساس روش آمیخته (ترکیب کمی و کیفی) می‌باشد. محقق، اطلاعات مورد نیاز را از طریق اسناد و مدارک و پرسشنامه، گردآوری و سپس یافته‌های به‌دست آمده از اسناد و مدارک و کتاب‌ها را به روش کیفی و یافته‌های به‌دست آمده از پرسشنامه را به روش کمی تحلیل نموده است. نتایج ارائه شده از ترکیب تحلیل کمی و کیفی انجام شده از یافته‌های تحقیق حاصل شده است.

۱-۸. جنبه‌های نوآورانه تحقیق

در مورد امنیت و امنیت ملی نظرات و مطالعات فراوانی وجود دارد. در ج.ا.ایران نیز تحقیق‌های مختلفی پیرامون این موضوع انجام شده است، ولی این تحقیق بر اساس

رویکرد سازه‌انگاری انجام شده است، از آنجا که بررسی مسائل امنیت ملی در داخل کشور با الهام از این رویکرد، فاقد سابقه است، محقق نوآوری نموده است. در بیشتر آثار داخلی، موضوع تجانس اجتماعی و تغییرات جمعیتی در قالب سایر مؤلفه‌های امنیت ملی بررسی و به شکل محدود به آن پرداخته شده است، در حالی که در این تحقیق، موضوع تجانس اجتماعی و تغییرات جمعیتی به شکل انحصاری بررسی شده است. بررسی‌های محقق حاکی از این است که جامعه مورد مطالعه در این تحقیق نیز فاقد سابقه در تحقیقات مشابه می‌باشد.

۲. مفاهیم و چارچوب نظری تحقیق

۲-۱. مفاهیم

۲-۱-۱. امنیت از نظر مکاتب و دیدگاه‌های گوناگون

در رویکرد واقع‌گرایان، نواقح‌گرایان و نولیبرال‌ها، بررسی‌های امنیت بر حسب روابط نظامی ستیزآلود میان دولت‌ها تعریف می‌شود. این مکاتب که زاده رقابت دولت‌ها بر سر قدرت و ناامنی ملازم با آن هستند، به شدت با فراخ‌تر ساختن دامنه مفهوم امنیت مخالفند. یکی از این قوی‌ترین انتقادهای واقع‌گرایانه را استفن والت مطرح ساخته است که معتقد است گسترده ساختن دامنه مفهوم امنیت، با این خطر همراه است که «انسجام نظری آن از دست رود و تمهید راه‌حلی برای هر یک از این مسائل مهم دشوارتر شود». نولیبرال‌ها بر نقش نهادها در به حداقل رساندن ستیز تأکید دارند و معتقدند از لحاظ تجربی، روابط بین‌الملل در حالت عادی، صلح‌آمیز است (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۹).

تحلیلگران مکتب بررسی‌های صلح، بر ضرورت مذاکره و مصالحه تأکید دارند. آنها همچنین نه تنها نتایج مستقیم کاربرد نیروی نظامی بلکه پیامدهای غیرمستقیم آن (پناهندگان، وضع بیمارستان‌ها) را هم مطرح می‌سازند و از سرمایه‌گذاری زیاد برای

رفع این مشکل دفاع می‌کنند. زن‌باوران بر نقش مردسالاری در ایجاد شرایط بروز جنگ و همچنین بر این امر تأکید دارند که چگونه خشونت گسترده در مورد زنان باعث شده است قربانیان جنگ، صرف‌نظر از ملیت خود، احساس کنند که با یکدیگر بیشتر دارای هویت مشترک هستند تا با کسانی که با آنها ملیت مشترکی داشته، ولی به خشونت مبادرت ورزیده‌اند.

فراملت‌گرایان نیز بر مسائلی مانند محیط زیست که به طور جدی تخریب شده است، چگونگی رشد سازمان‌های جنایی فراملی در اثر فروپاشی جامعه مدنی و بروز مشکلاتی داخلی برای کشورهایمانند آلمان در اثر فرار پناهندگان از صحنه نبرد تأکید می‌کنند (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۳۳). مطلبی که در بررسی این دیدگاه‌ها حائز اهمیت می‌باشد این است که بیشتر مکاتب، نگاه تک‌بعدی به امنیت ملی دارند و عوامل فرهنگی و اجتماعی، در بیشتر مکاتب به جز مکتب سازه‌نگاری که محیط امنیتی را محیطی فرهنگی و اجتماعی می‌داند، مغفول مانده است.

۲-۱-۲. تعریف امنیت ملی

در تعریفی، امنیت ملی به معنی در امان بودن کشور، نبود تهدید علیه ثبات سیاسی، استقلال و تمامیت ارضی و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشور، وجود شرایطی به نسبت پایدار است که در آن، امکان پاسخگویی به نیازهای حیاتی افراد جامعه وجود دارد و تهدیدی علیه منافع ملی و حیاتی کشور نیست (تهامی، ۱۳۸۸: ۲۷).

امنیت ملی عبارت است از وضعیتی که در آن یک کشور نسبت به منافع و ارزش‌های حیاتی خود، تهدید جدی احساس نکند (تقی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۹۰). روش‌شندل، امنیت ملی را توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود می‌داند (روش‌شندل، ۱۳۸۸: ۱۱). والتر لیپمن معتقد است امنیت ملی به معنی دفاع از ارزش‌های اساسی در صورت اجتناب از جنگ است (Lippman, 1943: 5).

واقع‌گرایانی مانند مورگنتا، امنیت ملی را با قدرت نظامی هم معنا گرفته‌اند. کشمکش بر سر قدرت، هدف دولتمردان در امنیت ملی بوده و قدرت ملی، اساس نظریه واقع‌گرایان می‌باشد. بوزان اعتقاد دارد امنیت ملی از نظر مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف، مبهم و از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند است؛ چراکه مفهوم نامشخص امنیت ملی، راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌دارد (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۸).

نظریه‌پردازان رویکرد سازه‌انگاری در تعریف خود از امنیت ملی، قائل به نوعی رابطه متقابل بین عناصر امنیت ملی و عناصر محیط اجتماعی و فرهنگی است. به گمان آنها، محیط امنیتی کشورها، محیطی فرهنگی و نهادی است (عسگری، ۱۳۹۰: ۳۰). این تعریف امنیت ملی مورد نظر محقق است و نویسنده با الهام از نظرات این گروه، بررسی خود را به اجرا گذارده است.

۳-۱-۲. مؤلفه‌های عوامل فرهنگی و اجتماعی

در متون داخلی، برخی تقسیمات به مؤلفه‌های جدید در کنار مؤلفه‌های سنتی اشاره کرده و عوامل قدرت ملی را در نه دسته به شرح زیر طبقه‌بندی نموده‌اند: عوامل اقتصادی، عوامل نظامی، عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل علمی، عوامل سیاسی، عوامل سرزمینی یا عوامل جغرافیای طبیعی، عوامل فضایی و عوامل فرامرزی (روشندل، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۲). عوامل فرهنگی و اجتماعی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند، دارای شاخص‌های به این شرح است: متأثر شدن اعتقادهای مذهبی از اعتقادهای معارض، تضعیف نقش و کارکرد زبان ملی، تضعیف تاریخ و بنیان‌های تمدنی مشترک یک ملت، انسجام و تجانس اجتماعی و تغییرات جمعیتی (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۲۳۷). در این تحقیق به شاخص انسجام و تجانس اجتماعی و تغییرات جمعیتی پرداخته شده است.

۴-۱-۲. انسجام و تجانس اجتماعی

انسجام و یکپارچگی اجتماعی از عوامل تولیدکننده قدرت و ارتقادهنده ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی برای مقابله با تهدیدهای نرم می‌باشد. ارتباط و تعامل لایه‌های اجتماعی براساس مبانی ایدئولوژیک، ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای مشترک، روابط اجتماعی را استحکام بخشیده و رفتارهای سیاسی را به سمت تقویت فرایندهای اجتماعی (نظم‌پذیری اجتماعی، مشارکت آگاهانه سیاسی، و...) سوق می‌دهد و از بروز ناپیوستگی رفتارهای اجتماعی و شکاف سیاسی در جامعه جلوگیری می‌کند.

یکی از کارکردهای موفق جمهوری اسلامی، ایجاد توسعه وحدت و انسجام اجتماعی بوده است و همان‌گونه که رهبر انقلاب اسلامی (ره) بارها فرمودند: «رمز موفقیت انقلاب اسلامی در وحدت کلمه است». تهدید نرم به دنبال تضعیف انسجام اجتماعی و اتحاد و یکپارچگی ملی و ایجاد شکاف در صفوف ملت و دامن زدن به اختلاف‌ها و در نتیجه، زمینه‌سازی برای فروپاشی اجتماعی است. یکی از راهبردهای دشمنان انقلاب اسلامی در براندازی نرم که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی سرمایه‌گذاری زیادی روی آن انجام شد، ایجاد و تشدید اختلاف‌های قومی و مذهبی بود، تا از این طریق، شکاف‌های قومی و مذهبی را گسترش داده و با تضعیف رابطه اقوام مختلف با حکومت مرکزی، زمینه چندپارچگی و تجزیه کشور را فراهم آورد (خزایی، بهمن ۱۳۸۸: ۲۰).

۵-۱-۲. نشانگان انسجام اجتماعی

(۱) اقدام‌های قومی، مذهبی و نژادی

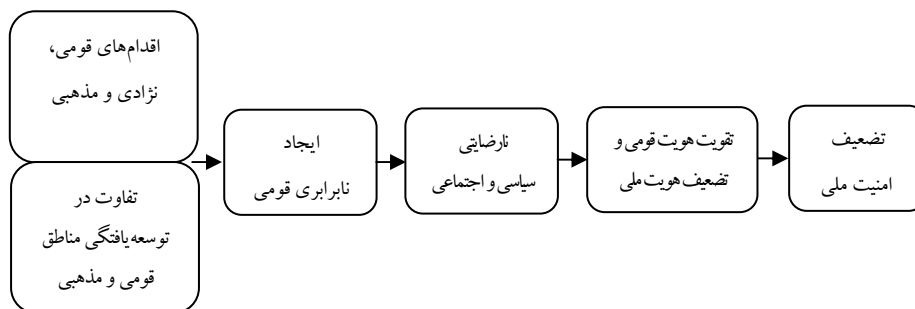
گروه‌های مختلف اجتماعی از حقوق طبیعی برای حفظ هویت خود برخوردارند و به جز نظام‌هایی که سیاست‌های یکپارچه‌سازی اجتماعی را دنبال می‌کنند، سایر نظام‌های

سیاسی، اراده‌ای بر حذف و نابودی خرده‌هویت‌های اجتماعی ندارند، حتی برخی از آنها که بقای هویت جامعه و ملت خود را در گرو همنشینی خرده‌هویت‌ها می‌بینند، برای حفظ آنها تلاش می‌کنند (تقی‌لو، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۳). کشورهایی که از لحاظ قومی یک‌دست می‌باشند، برای پذیرش ایده خوداتکایی، مستعدتر هستند (شهلائی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۹). عدم شکل‌گیری و تحقق مبادله بر اساس عدالت توزیعی به نارضایتی سیاسی، شورش و بحران منجر خواهد شد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۸۸).

(۲) تفاوت در توسعه‌یافتگی مناطق قومی، مذهبی و نژادی مختلف

درک تفاوت توسعه‌یافتگی در مناطق مختلف که آن مناطق به هویت‌ها و گروه‌های اجتماعی متفاوت تعلق دارند با مبانی و جوهره انسجام و تجانس اجتماعی تعارض دارد و قدرت اجتماعی را کاهش می‌دهد.

شکل شماره ۱. الگوی مفهومی تأثیر اقدام‌های قومی و نژادی و مذهبی و تفاوت در توسعه‌یافتگی مناطق قومی و مذهبی بر امنیت ملی ج.ا. ایران



(۳) تبلیغات و اقدام‌های دولت‌ها یا گروه‌های خارجی

شکاف‌های اجتماعی بستری برای تأمین هدف‌ها و اغراض سیاسی دولت‌ها یا گروه‌های خارجی است. این بستر در مورد هویت‌هایی که در بیش از یک کشور حضور دارند، آماده‌تر و قوی‌تر می‌باشد (Buzan, 1998: 132). برهم خوردن تعادل بین

هویت‌های اجتماعی و بروز رفتارهای افراطی^۱ مانند نفی هویت‌های دیگر، تبلیغات توهین‌آمیز^۲ و رفتارهای خشن نسبت به سایر هویت‌ها و تمامیت‌خواهی، آثار نامطلوبی بر حوزه اجتماعی - فرهنگی ایجاد می‌نماید (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۲۴۷).

(۴) مرزهای جغرافیایی و مرزهای هویتی

در برخی از کشورها، هویت‌ها با مرزهای جغرافیایی منطبق نیستند. به عبارت دیگر، مرز جغرافیایی که یکی از شاخص‌های هویت ملی و دولت-ملت می‌باشد، نمی‌تواند تمام هویت ملت را در خود جای دهد و هویت اعضای جامعه داخل مرز با اعضای خارج از مرز یکسان است (مانند وضع اکراد، آذری‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن و عرب‌ها در ایران و کشورهای همجوار یا مانند فلسطینیان) (Buzan & Others, 1998: 132). چنین وضعی می‌تواند منبع چالش‌های گوناگون اجتماعی - سیاسی باشد. شرایط یادشده را می‌توان نشانه‌ای عمومی و کلی از تهدیدهای اجتماعی - فرهنگی دانست، اگرچه همین وضعیت، فرصت‌هایی را در اختیار کشور تهدیدشونده قرار می‌دهد (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۲۴۸).

۶-۱-۲. تغییرات جمعیتی

جمعیت، عنصری مهم در مطالعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. جمعیت یکی از منابع قدرت تلقی می‌شود و تغییرات آن برای سیاستگذاران قابل اعتنا می‌باشد.

۷-۱-۲. نشانگان تغییرات جمعیتی

(۱) مهاجرت

مهاجرت یکی از عواملی است که بر ترکیب جمعیتی تأثیر می‌گذارد. مهاجرت از کشوری به کشور دیگر، در هر حال تأثیرهای مثبت یا منفی ایجاد می‌نماید. اگر روند

1. Exteremism
2. Disgracing

مهاجرت و نسبت ورودی و خروجی آن با توجه به برنامه‌ریزی و هدف‌های مشخص انجام شود، آثار مثبت بیشتری خواهد داشت. برخی از کشورها از این طریق به اقتصاد، توسعه و دانش خود، کمک‌های زیادی کرده‌اند، اما در مواردی که مهاجرت به شکل ناخواسته، شدید و غیرمتعارف اتفاق می‌افتد، چالش‌ها و تهدیدهای متنوعی را تولید می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

(۲) کاهش جمعیت یا رشد بی‌رویه آن

در شرایط خاصی مانند جنگ‌های تمام‌عیار یا حوادث طبیعی فراگیر، ممکن است، بخش قابل توجهی از جمعیت از بین برود. این امر هم از جهت هویت خاص جمعیت از بین رفته و هم تأثیر بر هویت جمعی و ملی، قابل تحلیل است؛ زیرا گاه ممکن است تمام یا بیشتر جمعیت نابود شده، به یک خرده‌هویت تعلق داشته باشند. در چنین حالتی، برهم خوردن تعادل گذشته بین هویت‌ها می‌تواند زمینه‌چالش‌های جدید را فراهم آورد. از سوی دیگر این موضوع، در مواردی که جمعیت یادشده به مجموعه هویت‌ها یا هویت ملی مربوط باشد، حائز اهمیت است (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

(۳) جوان شدن جمعیت و دگرگونی نسلی

جمعیت، افزون بر جنبه‌های مادی و فیزیکی، متضمن جنبه‌های معنوی، روانی و فرهنگی است؛ زیرا پایگاه اصلی استقرار هویت‌های جمعی، جمعیت می‌باشد. بنابراین گاهی تغییرات جمعیتی از جهت کیفی و فرهنگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. جوان شدن جمعیت و تغییر نسلی از این نظر قابل توجه است. با تغییر یک نسل، بینش‌ها، نگرش‌ها و روش‌های نسل گذشته در معرض تغییر و دگرگونی قرار می‌گیرد. البته کمیت یا کیفیت این دگرگونی به عوامل مختلفی مانند سرعت دگرگونی نسلی و وضع آموزش و انتقال هویت نسل گذشته به نسل جدید و برنامه‌ریزی، مدیریت و سیاست‌های جمعیتی بستگی دارد. اگر سرعت دگرگونی نسلی، بالا و وضع آموزش و سیاست‌گذاری ضعیف باشد،

باید انتظار داشت که تغییر نسلی به تغییرهای مهم فرهنگی و هویتی منجر گردد، پس این نشانه، به طور قطع بر تهدیدهای فرهنگی - اجتماعی قدرت ملی موجود دلالت خواهد کرد (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۲۵۲).

(۴) مهاجرت جمعیت روستا به شهر و توسعه حاشیه‌نشینی

سیاست‌های جمعیتی و برنامه‌های آمایش سرزمینی همواره باید به نسبت جمعیت روستا به شهر و کاهش حاشیه‌نشینی شهرها توجه داشته باشد. صرف‌نظر از معضله‌های اقتصادی و حقوقی ناشی از بی‌توجهی به این امور، برهم خوردن تعادل جمعیتی در شهر و روستا و حاشیه شهرها، تهدیدهایی علیه هویت فرهنگی اجتماعی ایجاد می‌کند. افزایش جرایم و ناهنجاریهای اجتماعی، اختلاط هویت‌های متعارض، بی‌هویتی‌های ناشی از مشکلات روزمره اقتصادی و اجتماعی، به‌طور مستقیم، هویت ملی و هویت‌های خرد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۸۰).

(۵) تغییرات در جنسیت جمعیت

در برخی از موارد به دلیل وقوع حوادث طبیعی یا اجتماعی، تغییرات جمعیتی، نسبت جمعیت مرد به زن را به شدت برهم می‌زند. به تبع این تغییر، در نوع مطالبه‌ها و رفتارهای عمومی و جمعی نیز تغییراتی ایجاد می‌گردد، نهادهایی مانند خانواده، تحت تأثیر قرار می‌گیرند و هویت‌های زن‌گرایانه تقویت می‌شود. این تغییرات می‌توانند در برخی موارد، تعادل‌های فرهنگی و اجتماعی را برهم زنند و از این نظر بر کمیت و کیفیت قدرت فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار باشند (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

(۶) تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان

نخبگان علمی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه، نقش مهمی در هویت‌سازی ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، نخبگان یک جامعه، سهمی از قدرت ملی را در اختیار دارند،

بنابراین دگرگونی در کمیت این جمعیت مانند کاهش شدید آنها به دلیل مرگ و میر یا مهاجرت یا تغییرات در کیفیت آنها مانند تحصیل کردن بیشتر آنها در محیط هویت‌های دیگر می‌تواند از تهدید قدرت و هویت فرهنگی - اجتماعی در یک جامعه باشد (خلیلی، ۱۳۸۰: ۵۸۲).

(۷) سطح رفاه عمومی و فاصله طبقاتی

سطح رفاه عمومی یکی از شاخص‌های مهم امنیت و قدرت اقتصادی است، البته این شاخص، جنبه‌های قوی اجتماعی و سیاسی نیز دارد (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۲۷۷-۲۷۱). فقر و توزیع ناعادلانه درآمدها، یکی از ویژگی‌های نامطلوب اقتصادی است. پدیده فقر، تنها از منظر مسائل ارزشی و انسانی مورد توجه نیست، بلکه فقرزدایی به شکل یک مسئله فنی در فرایند رشد و توسعه کشورهای توسعه‌نیافته باید مورد توجه قرار گیرد و کشورهای توسعه‌نیافته برای حل مسائل توسعه خود، بیش از هر چیز، نیازمند «سرمایه انسانی» توانا و کارآمد هستند (توسلی نائینی، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

۲-۲. چارچوب نظری

سازه‌انگاران، افزون بر جنبه عینی امنیت به بُعد ذهنی آن نیز معتقدند. امنیت در بُعد ذهنی صرف‌نظر از حفظ سرزمین و حاکمیت، به چگونگی زندگی و شیوه‌های زندگی نیز نظر دارد و این مقوله‌ای است که ابعاد فرهنگی اجتماعی امنیت ملی به آن می‌پردازد. بر این اساس، شاخص‌های تجانس اجتماعی و تغییرات جمعیتی در قالب کلی عوامل فرهنگی و اجتماعی امنیت ملی منطبق بر نظرات این گروه از نظر محقق به شرح زیر بیان می‌گردد:

سازه‌گرایان معتقدند روابط انسانی از جمله روابط بین‌المللی بیشتر از افکار و ایده‌ها و نه از اوضاع و نیروهای مادی تشکیل گردیده‌اند. هر آنچه در جهان اجتماعی وجود

دارد، به وسیله افراد ساخته شده است. جهان اجتماعی، میزان مشخصی اشیای فیزیکی است، اما این ایده‌ها و عقاید موجود در پشت آن اشیاست که بیشترین اهمیت را دارد. برای مثال، نظام امنیتی - دفاعی بین‌المللی متشکل از تروریست‌ها، جمعیت‌ها، سلاح‌ها، دارایی‌های فیزیکی است، اما ایده‌ها و برداشته‌ها که بر مبنای آنها دارایی‌ها (اشیا) فهمیده، سازماندهی و مورد استفاده قرار می‌گیرند، بیشترین اهمیت را دارند. مفهوم اصلی مورد توجه سازه‌گرایان، عقاید بیناذهنی (ایده‌ها، مفاهیم و فرض‌ها) است، بنابراین فرهنگ، هویت، هنجارها و نهادها به‌عنوان مفاهیم مورد توجه سازه‌گرایان، نمونه‌هایی از جهان بیناذهنی هستند، نه اینکه به جهانی عینی که کشف شده باشد، تعلق داشته باشند. سازه‌گرایی قائل به نوعی رابطه متقابل بین عناصر امنیت ملی و عناصر محیط نهادی و فرهنگی هستند. به گمان آنها، محیط امنیتی کشورها، محیطی فرهنگی و نهادی است (عسگری، ۱۳۹۰: ۲۹).

این نظریه، تمرکز افراد را به مجموعه‌ای از عوامل معطوف می‌کند که شامل هنجارهای مشترک نخبگان و هنجارهای مشترک جامعه در کل است. در چارچوب این نظریه، افرادی که بر تأثیر انتظارات ارزشی رفتار تأکید دارند، حاملان اصلی هنجارها نامیده می‌شوند. مبانی هنجارهای مشترک بین نخبگان یا کل جامعه در قانون اساسی، نظم حقوقی، فرهنگ عمومی و سیاسی و... نهفته است (عسگری، ۱۳۹۰: ۳۰).

در نظریه سازه‌گرایی گفته می‌شود که اغلب هنجارها، به کشور، هویت می‌دهند. برخی از کشورها به دلیل شوک بزرگ ناشی از شکست‌های خود، به هنجارهایی متوسل شدند که در حال حاضر هویت آنان را تشکیل می‌دهند، مانند آلمان و فرانسه که استفاده از نیروی نظامی در سیاست خارجی آنان جایگاه خودش را از دست داده است. تغییر در هویت می‌تواند در علایقی که سیاست امنیت ملی را شکل می‌بخشد، تغییر اساسی به وجود آورد. در دوران کنونی، به تدریج که چندجانبه‌گرایی به‌عنوان یک بخش سازنده هویت در پاره‌ای از کشورها درونی شده، علاقه به مشارکت در چندجانبه‌گرایی

و ارتقای آن در این کشورها شدت گرفته است. کشوری مانند آلمان با پیوند هویت بازسازی شده خود (صلح جو، دموکرات و بین الملل گرا) به هویت‌ها و نهادهای منطقه‌ای و چندجانبه، هویت خود را تثبیت کرده است (عسگری، ۱۳۹۰: ۳۲).

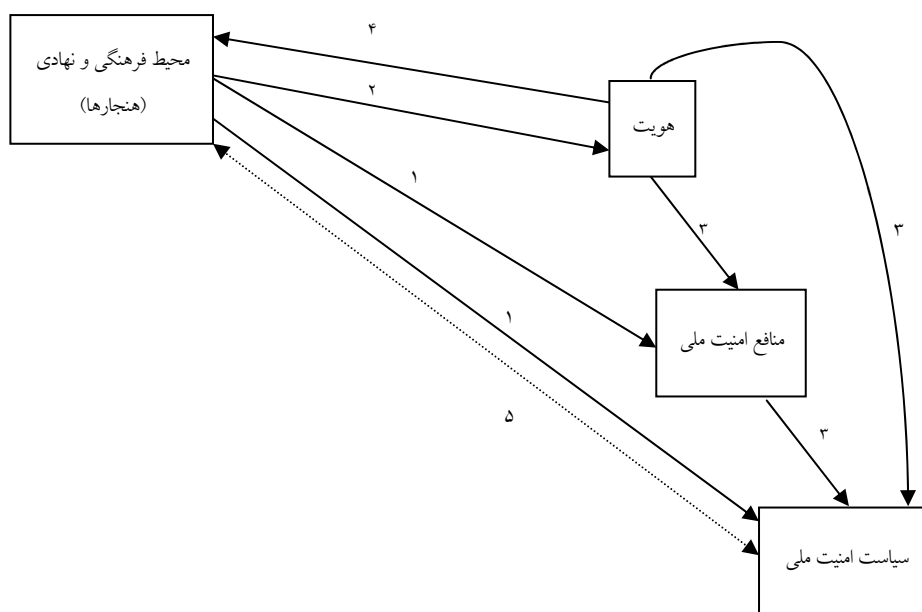
از دیدگاه سازه‌انگاران، رفتار دولت‌ها، تابعی از منافع آنهاست و منافع آنها نیز تابعی از هنجارها (داخلی و بین‌المللی) است، بنابراین هنجارها نقش تنظیمی داشته و رفتار دولت‌ها را در چارچوب‌های خاصی هدایت می‌کنند. تشابه رفتار دولت‌ها نیز بیش از آنکه محصول الزام‌های ناشی از معمای امنیت در نظام فاقد اقتدار عالی باشد، نتیجه هنجارهای مشترک است (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۳۶).

مفهوم «امنیت» در رویکرد سازه‌انگاری در شکل اجتماع امنیتی با مفهوم امنیت در مطالعات امنیتی ماده‌گرایانه (ماتریالیستی) دارای تفاوت‌هایی است. نخست آنکه آنان امنیت را فقط در چارچوب مضیق نظامی مردود می‌دانند و اظهار می‌دارند چنانچه یک اجتماع امنیتی در درون خود، دچار جنگ باشد، نمی‌توان آن را یک اجتماع امنیتی نامید. این تأکید نشان می‌دهد که برای سازه‌انگاران فقط امنیت نظامی و به بیان دیگر، مصون بودن از تهدیدهای خارجی ملاک نمی‌باشد، بلکه امنیت در داخل اجتماع و دیگر ابعاد و سطوح نیز مورد نظر است.

دوم آنکه سازه‌انگاران، به مسئله امنیت، اعتماد و همکاری برای تحصیل امنیت تأکید دارند. این رویکرد به تحصیل امنیت نیز، ناشی از اعتقاد آن به بستر اجتماعی امنیت می‌باشد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

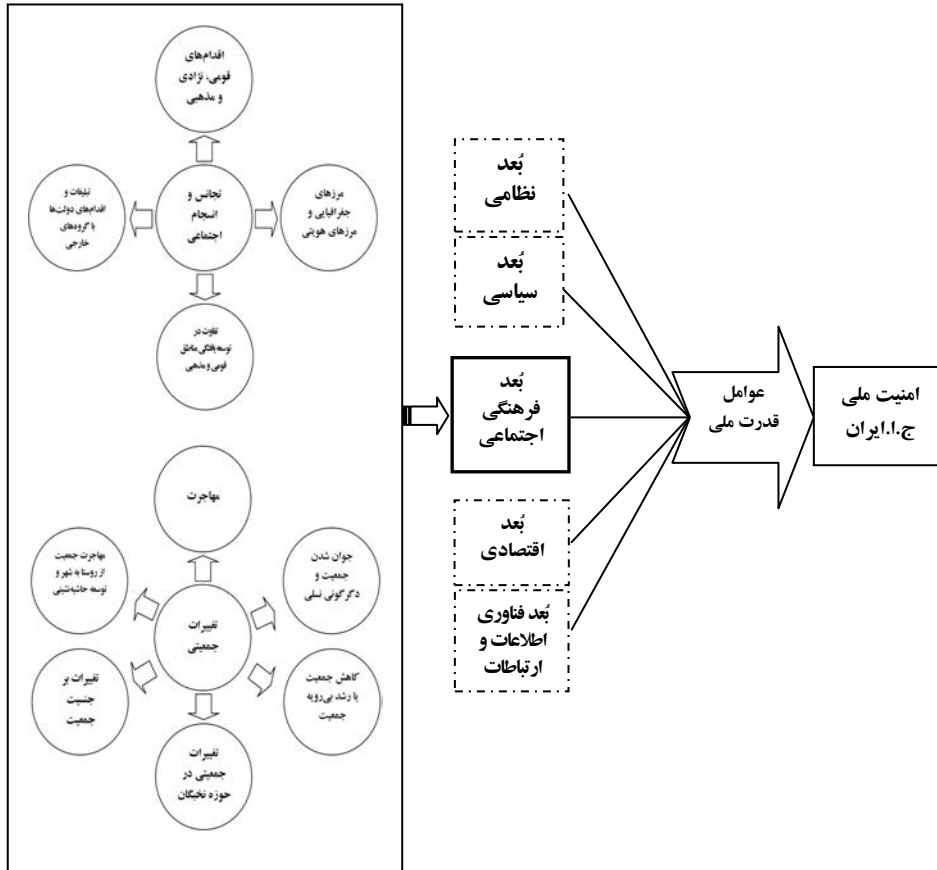
بخش اعظمی از مدافعان نظریه سازه‌انگاری معتقد به نوعی رابطه متقابل میان عناصر امنیت و عناصر محیط نهادی و فرهنگی هستند که بر اساس الگوی زیر می‌توان ضمن پوشش دادن عوامل و مؤلفه‌های مهم، ایده‌ها و تفکرات آنان را در پنج بخش تقسیم و تحلیل نمود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۶۵):

شکل شماره ۲. رابطه محیط فرهنگی و اجتماعی با امنیت ملی



- در ادامه، توضیحاتی درباره هر یک از اعداد موجود در شکل بالا، ارائه می‌گردد:
- (۱) تأثیر هنجارهای به‌عنوان یکی از عوامل محیط فرهنگی و نهادی بر منافع و سیاست امنیت ملی،
 - (۲) تأثیر هنجارهای به‌عنوان یکی از عوامل محیط فرهنگی و نهادی داخلی ملی و جهانی بر شکل‌گیری هویت کشورها،
 - (۳) تأثیر نوسان یا تغییر هویت کشور بر منافع و سیاست امنیت ملی،
 - (۴) تأثیر پیکربندی هویت کشور بر ساختارهای هنجاری بین‌کشوری،
 - (۵) نقش سیاست دولت در تولید و بازسازی ساختارهای فرهنگی و نهادی.

شکل شماره ۳. الگوی مفهومی طراحی شده برای تحقیق^۱



۳. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۳-۱. تجزیه و تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی امنیت ملی از دیدگاه

سازه‌انگاران

«ایمانول آدلر» و «مایکل بارنت»، از برجسته‌ترین متفکران سازه‌گرایی معتقدند اعتماد متقابل و هویت جمعی، جزئی از شرایط ضروری در تغییرات صلح‌آمیز و شکل‌گیری

۱. این الگو توسط محقق ساخته شده است.

امنیت اجتماعی است. از سوی دیگر، قدرت، دانش، سازمان‌ها و یادگیری اجتماعی نیز در ایجاد اعتماد متقابل، مفید و بلکه ضروری هستند.

سازهانگاران، سرچشمه امنیت و ناامنی را در چگونگی تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوع‌ها، به‌ویژه منافع و تهدیدها می‌دانند و معتقدند هر اندازه، ادراکات و منطق متقابل بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوع‌ها، نامتجانس‌تر و متناقض‌تر باشد، میزان بی‌اعتمادی میان آنان افزایش بیشتری می‌یابد و دولت‌ها بیشتر به‌سوی خودیاری و خودمحموری حرکت می‌نمایند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۷)، اما چنانچه بتوان ساختاری از دانش مشترک ایجاد نمود، آنگاه می‌توان کشورها را به‌سوی جامعه امنیتی صلح‌آمیزتری هدایت کرد، بنابراین امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر میزان فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر قرار دارد.

سازهانگاران بر این عقیده‌اند که هنجارها، بازیگران و واکنش‌های معنادار را از طریق قراردادن آنها در نقش‌ها و محیط‌های اجتماعی به‌وجود می‌آورند. افـزـون بر این، هنجارها از طریق تعریف آنچه مناسب است (مقررات اجتماعی معین) و آنچه مؤثر است (قوانین معین علم) کنش‌ها را تنظیم می‌نماید. در این چارچوب، سازهانگاران به بررسی ساختار اجتماعی کنش می‌پردازند و به دنبال آن هستند که هنجارها در شرایط مختلف زمانی و مکانی چگونه عمل می‌نمایند، که برخی از اعمال را امکان‌پذیر و برخی دیگر را ناممکن می‌سازند. آنان به نقش هویت در شکل‌گیری کنش، اهمیت بسیاری می‌دهند و معتقدند، هویت‌ها در نوع، شکل و میزان موفقیت کنش‌ها ایفای نقش می‌نمایند.

مطالعات امنیتی سازهانگاران بر دو فرضیه عمده بنا شده است: نخست آنکه ساختارهای اساسی سیاست بین‌الملل، ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است و دوم آنکه، تفکر در خصوص شرایط بین‌الملل می‌تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین‌الملل و بهبود آن گردد. این فرض به آن معناست که چنانچه تفکر تغییر نماید،

وضعیت امنیتی نیز تغییر خواهد کرد. آنها همچنین معتقد هستند جهان مادی و عینی همان‌گونه که واقع‌گرایان می‌گویند به عمل انسان و چگونگی تعامل‌های او شکل می‌دهد، ولی همین جهان مادی و عینی، از سوی عمل انسان و تعامل‌های او تأثیر می‌پذیرد. بنابراین سازه‌انگاران معتقد به تأثیر و تأثر متقابل جهان مادی و انسان هستند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

سازه‌انگاران اظهار می‌دارند که اگر افکار و ایده‌هایی که در بطن روابط بین‌المللی وارد می‌گردند، تغییر یابند، آنگاه خود نظام نیز تغییر خواهد یافت. جهان اجتماعی، حوزه‌ای بینادهنی است و برای افرادی که آن را ساخته‌اند و در آن زندگی می‌کنند و آن را درک می‌کنند، معنادار است؛ چرا که آنها، آن را ساخته‌اند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۶۱).

۲-۳. تجزیه و تحلیل کیفی و کمی مؤلفه‌های عوامل فرهنگی و اجتماعی امنیت ملی

۲-۳-۱. تجانس و انسجام اجتماعی

اطلاعات مربوط به این متغیر با استفاده از مؤلفه‌های «اقدام‌های قومی، مذهبی و نژادی»، «تفاوت در توسعه‌یافتگی مناطق قومی، مذهبی و نژادی مختلف»، «تبلیغات یا اقدام‌های دولت‌ها یا گروه‌های خارجی» و «مرزهای جغرافیایی و مرزهای هویتی»، گردآوری گردید.

امنیت، مقوله‌ای چندوجهی است و ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و زیست محیطی را در بر می‌گیرد. امنیت فرهنگی و اجتماعی به لحاظ نقش زیرساختی فرهنگ در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و یکپارچگی فرهنگی و ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر به عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ (باورها و ارزش‌ها، زبان، علم و...) به‌ویژه فرهنگ پویا و پیشرو که نقش مؤثری در اعتلا و برجسته‌سازی هویت فرهنگی برعهده دارد، توجه داشت، این نکته کلیدی به‌دست می‌آید که تحقق امنیت فرهنگی مستلزم نظارت و مدیریت بر عوامل تهدیدکننده هویت فرهنگی است و

چنانچه هویت فرهنگی دچار رنگ‌باختگی و یا شرایط بحرانی گردد، پایه‌های امنیت فرهنگی با بی‌ثباتی و تزلزل مواجه شده و مؤلفه‌های فرهنگی در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند. «رابرت ماندل» اذعان می‌کند که نکته اساسی در فراسوی این بُعد از امنیت، توانایی جامعه برای تداوم بخشیدن به ویژگی فرهنگی بنیادی خود تحت شرایط متحول و در برابر تهدیدهای فرهنگی از سایر ابعاد تهدید، قدرتی دشوارتر است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۹).

یکپارچگی فرهنگی از عوامل مؤثر در امنیت‌سازی و تحقق امنیت فرهنگی است و چنانچه لایه‌های مختلف فرهنگی بر اساس مهندسی نظام‌مند، ارتباط منسجم و اندام‌واری با یکدیگر داشته باشند و به‌خصوص در شرایط تهدید از ابزارهای یکپارچه‌سازی برخوردار گردند، می‌توانند در برابر تهدیدها ایستادگی کرده و تغییرات را با حداقل تأثیرپذیری از خود عبور دهد. کارویژه امنیت فرهنگی، حفاظت و پاسداری از عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی (ارزش‌ها، هویت و ...) در برابر تهدیدها و تهاجم فرهنگی است.

یکی از عوامل بسیار مؤثر در عوامل امنیت به‌ویژه امنیت نرم، انسجام و یکپارچگی اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. ارتباط و اتصال لایه‌های اجتماعی و تعامل اجزای نظام فرهنگی (فرهنگ آرمانی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و ...) در قالب یک نظام یکپارچه، ظرفیت‌های تولید قدرت فرهنگی (نرم) را افزایش داده و کارکرد نظام اجتماعی را به سوی یکپارچگی و انسجام ساختاری سوق می‌دهد. هرچه اجزای نظام فرهنگی از تجانس و هماهنگی بیشتری برخوردار باشند و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را در جهت اعتلای فرهنگ آرمانی (تولید قدرت نرم) هم‌افزا و هم‌سو نمایند، انسجام فرهنگی و یکپارچگی اجتماعی بیشتر و در نتیجه، ساخت نظام سیاسی را از قوام و استحکام درونی برخوردار خواهد ساخت. بازسازی بخش‌های فرسوده فرهنگی و جداسازی عناصر نامتجانس و ناهمخوان (عناصر فرهنگ وارداتی، بدعت‌ها، خرافه‌ها) نقاط آسیب‌پذیر

فرهنگی را ترمیم کرده و راه‌های نفوذ فرهنگ بیگانه را مسدود و ضمن از بین بردن عوامل تهدیدزا، فرهنگ را به کانون تولید قدرت تبدیل می‌سازد (خزایی، بهمن ۱۳۸۸: ۲۴-۲۰). در ایران، گروه‌های قومی و مناطق مختلف جغرافیایی فرهنگی وجود دارند که دارای سنت‌های فرهنگی، احساسات هویتی خاص (بر پایهٔ مشترکات نژادی، زبانی، ادبیات و یا حداقل محل سکونت و یا سرزمین) هستند که آنها را به‌مثابهٔ یک گروه فرعی از جامعه‌ای بزرگ‌تر مشخص می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اعضای هر گروه قومی، خود را از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه، متمایز تلقی می‌کند (ابوطالبی، پاییز ۱۳۷۸: ۱۵۳-۱۳۱).

سرزمین ایران در مقولهٔ تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴٪ همانندی در رتبهٔ شانزدهم از همانندی است. بسیاری از متخصصان، گروه‌های قومی ایران را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: گروه آریایی‌ها (شامل افغان‌ها، هزارها، بلوچ‌ها، بختیاری‌ها، فارس‌ها، اصفهانی‌ها، یزدی‌ها، گیلانی‌ها، مازندرانی‌ها، تالشی‌ها، گُردها و لرها) گروه ایرانیان غیرآریایی (ترک، قشقایی، ترکمن، مغول، ارمنی، سامی‌ها یعنی عرب‌ها، یهودی‌ها و آشوری‌ها) و سایر گروه‌های مختلط (الطایی، ۱۳۷۸: ۲۰۳). بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان وفاق اجتماعی با مسئلهٔ اقوام، ارتباط جدی دارد (صداقت‌زادگان، ۱۳۷۸: ۶۵).

• تجزیه و تحلیل آماری نتایج نظرسنجی مؤلفه‌های تجانس اجتماعی

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|-------------------------|-----------|----------|---------|---------|---------|
| اقدام‌های قومی، نژادی، قبیله‌ای و مذهبی | فراوانی درصد فراوانی | ۳۸ ٪۷۶ | ۶ ٪۱۲ | ۴ ٪۸ | ۱ ٪۲ | ۱ ٪۲ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به‌دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونهٔ آماری، معتقدند که اقدام‌های قومی، نژادی، قبیله‌ای و مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۳۸ نفر

(۷۶٪) خیلی زیاد، تعداد ۶ نفر (۱۲٪) زیاد، تعداد ۴ نفر (۸٪) متوسط، تعداد ۱ نفر (۲٪) کم، تعداد ۱ نفر (۲٪) خیلی کم. بنابراین ۸۸٪ افراد نمونه آماری، تأثیر اقدام‌های قومی، نژادی، قبیله‌ای و مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند، همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری، تأثیر آن را خیلی کم دانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|--|-------------------------|-----------|----------|---------|----|---------|
| تفاوت در توسعه‌یافتگی مناطق قومی و مذهبی | فراوانی درصد فراوانی | ۴۱ ٪۸۲ | ۶ ٪۱۲ | ۳ ٪۶ | ۰ | ۰ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به‌دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونه آماری، معتقدند که تفاوت در توسعه‌یافتگی مناطق قومی و مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۴۱ نفر (۸۲٪) خیلی زیاد، تعداد ۶ نفر (۱۲٪) زیاد، تعداد ۳ نفر (۶٪) متوسط. بنابراین ۹۴٪ افراد نمونه آماری، تأثیر تفاوت در توسعه‌یافتگی مناطق قومی و مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین ۳٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را متوسط دانسته‌اند. هیچ یک از جامعه آماری، تأثیر آن را کم و خیلی کم ندانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---------------------------------|-------------------------|-----------|----------|---------|---------|---------|
| مرزهای جغرافیایی و مرزهای هویتی | فراوانی درصد فراوانی | ۳۸ ٪۷۶ | ۸ ٪۱۶ | ۲ ٪۴ | ۱ ٪۲ | ۱ ٪۲ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ دهندگان نمونه آماری، معتقدند که مرزهای جغرافیایی و مرزهای هویتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۳۸ نفر (۷۶٪) خیلی زیاد، تعداد ۸ نفر (۱۶٪) زیاد، تعداد ۲ نفر (۴٪) متوسط، تعداد ۱ نفر (۲٪) کم، تعداد ۱ نفر (۲٪) خیلی کم. بنابراین ۹۲٪ افراد نمونه آماری، تأثیر عدم انطباق مرزهای جغرافیایی و مرزهای هویتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند، همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری، تأثیر آن را خیلی کم دانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|-------------------------|-----------|----------|---------|---------|---------|
| تبلیغات و اقدام‌های دولت‌ها یا گروه‌های خارجی | فراوانی درصد فراوانی | ۳۷ ٪۷۴ | ۷ ٪۱۴ | ۴ ٪۸ | ۱ ٪۲ | ۱ ٪۲ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ دهندگان نمونه آماری، معتقدند که تبلیغات و اقدام‌های دولت‌ها یا گروه‌های خارجی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۳۷ نفر (۷۴٪) خیلی زیاد، تعداد ۷ نفر (۱۴٪) زیاد، تعداد ۴ نفر (۸٪) متوسط، تعداد ۱ نفر (۲٪) کم، تعداد ۱ نفر (۲٪) خیلی کم. بنابراین ۸۸٪ افراد نمونه آماری تأثیر تبلیغات و اقدام‌های دولت‌ها یا گروه‌های خارجی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری، تأثیر آن را خیلی کم دانسته‌اند.

۲-۲-۳. تغییرات جمعیتی

مطالب مربوط به این متغیر با استفاده از مؤلفه‌های «مهاجرت»، «کاهش جمعیت یا رشد بی‌رویه آن»، «جوان شدن»، «جمعیت و دگرگونی نسلی»، «مهاجرت جمعیت از

روستا به شهر و توسعه حاشیه‌نشینی»، «تغییرات در جنسیت جمعیت»، «تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان» و «سطح رفاه عمومی و فاصله طبقاتی» تبیین شده است. ایران، یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان به‌شمار می‌آید. به‌عبارت دقیق‌تر ج.ا. ایران، بیست‌ویکمین کشور پرجمعیت جهان محسوب می‌شود و تا سی سال دیگر، به دهمین کشور پرجمعیت جهان تبدیل خواهد شد. دیدگاه‌های مربوط به چگونگی سیاستگذاری در نرخ رشد جمعیت به چند دسته تقسیم می‌شوند. در یک نگاه که افزایش جمعیت را منشأ قدرت و محرک اصلی پیشرفت تلقی می‌کنند، امکانات طبیعت و کره زمین را برای تغذیه و تأمین وسایل زندگی افراد، بسیار وسیع دانسته و با تأکید بر نگاه بیشتر ادیان الهی، طرفدار افزایش جمعیت بوده و جلوگیری از رشد آن را نهی می‌کنند. در نگاه دوم، کارشناسان و صاحب‌نظران مباحث جمعیتی به تضاد بین کمیت و کیفیت اعتقاد داشته و افزایش جمعیت را عامل توقف پیشرفت مادی و اجتماعی می‌دانند و برای اثبات ادعای خود مبنی مطلوب بودن جمعیت کم، به دوران طلایی کشورهای کوچک اروپایی در قرون وسطی از جمله آتن و ایالت‌های مستقل ایتالیا اشاره نموده و نتیجه افزایش جمعیت را فقر و تیره‌روزی و انهدام جامعه بشری می‌دانند. دسته سوم کسانی هستند که طرفدار ثبات جمعیت می‌باشند و به‌هیچ‌نوع تحول و تحرکی در افزایش یا کاهش جمعیت اعتقاد ندارند و ثبات جمعیت را از جهات گوناگون به‌ویژه از نظر اقتصادی دارای مزایای بی‌شمار از جمله تعلق بیشتر سهم زمین و سرمایه و افزایش رفاه و ثروت می‌دانند. گروه چهارم نیز به ایده جمعیت متناسب اعتقاد داشته و عنوان می‌نمایند که جمعیت باید با امکانات طبیعی و اقتصادی در جامعه، هماهنگ باشد و به‌گونه‌ای با نگرش کنفوسیوس، افلاطون و ارسطو که به حد تناسب جمعیت توجه نموده، همخوانی داشته و بر این باور هستند که جمعیت یک دولت نه چنان اندک باشد که به استقلال اقتصادی و قدرت دفاعی آن صدمه بزند و نه چندان زیاد که حکومت را با دشواری

روبه‌رو کند، البته تناسب جمعیت نه تنها بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند، بلکه بر حسب موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی نیز تغییرپذیر است و در واقع، حد متناسب جمعیت، مفهومی تغییرپذیر است. مطلب مهم دیگر آن است که دیدگاه‌ها و نظرات کارشناسان در جامعه کنونی ایران مبنی بر این است که ظرفیت و استعداد موجود در بسترهای اقتصادی و سرمایه‌ای جامعه، قابلیت تأمین امکانات افزایش جمعیت تا سقف ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر را دارد که مؤید دیدگاه مقام معظم رهبری و نگاه کارشناسی معظم‌له می‌باشد. البته باید برنامه‌ریزی داشت؛ چرا که با هجوم مهاجران به بازارهای کار، در شهر بیکاری و اشتغال ناقص، رشد می‌یابد. برخی از این مهاجران ممکن است در رقابت با افراد مقیم شهر که از تحصیلات کمتری برخوردارند، موفق شوند، اما بسیاری از آنها شکست می‌خورند و ذخیره نیروی کار شهری، رو به تزاید می‌گذارد. افراد مهاجر روستایی در شهرها، قشر پایین اجتماعی را تشکیل می‌دهند که فاصله طبقاتی آنان با افراد مرفه شهری بسیار زیاد است و روزبه‌روز نیز زیادت‌تر می‌شود و به دلیل همین محدودیت‌هاست که امکان و گرایش به مقوله‌های فرهنگی در اولویت‌های چندم این گروه محسوب می‌شود.

طبق سند چشم‌انداز ج.ا. ایران مقرر شده که کشور در افق سال ۱۴۰۴، از نظر علمی و فناوری در منطقه رتبه اول را داشته باشد. بنابراین نخبگان باید در این رابطه نقش اساسی خود را ایفا نمایند. پیشرفت کشور در گرو توجه به نخبگان است و تا زمانی که امکان نقش‌آفرینی نخبگان در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی وجود نداشته باشد، پیشرفت و توسعه لازم ایجاد نمی‌شود.

در مورد مهاجرت نخبگان توجه به این نکته حائز اهمیت است که جایگزینی «مهاجرت تخصص» به جای «مهاجرت متخصص» نیز مانند مهاجرت نخبگان در عصر صنعت‌گرایی، فرصت توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه‌نیافته را تبدیل به تهدید خواهد نمود (تافلر، ۱۳۷۷: ۲۲۹)، بنابراین در چارچوب جدید، توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته

قدیمی، حول محور دانش و اطلاعات بازتولید می‌شوند، در واقع فرصت و تهدید مهاجرت نخبگان در این چارچوب توسعه از یک سو متأثر از میزان توانایی کشورها در تولید و بهره‌گیری از دانش اطلاعاتی و از سوی دیگر متأثر از تغییر ماهیت مهاجرت نخبگان (جایگزین شدن مهاجرت تخصص به جای مهاجرت متخصص) به دلیل گستره جهانی فناوری نوین اطلاعاتی است. با چنین تغییری در فرصت‌ها و تهدیدهای مهاجرت نخبگان، در راهکارهای حل این مشکل نیز باید بازاندیشی نمود؛ چرا که با راهکار «بازگشت نخبگان» و با حفظ فیزیکی آنها در داخل مرزهای یک کشور دیگر نمی‌توان بر مشکل عقب‌ماندگی چیره شد؛ زیرا بازگشت بدون امکانات جذب، اگرچه ناممکن هم نباشد، بیهوده است (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۴). همچنین حضور فیزیکی نخبگان با توجه به توان ارتباطی دستگاه‌های الکترونیکی جهانی حتی اگر مهاجرت متخصص را منتفی ساخته باشد، مهاجرت تخصص او را همچنان به قوت خود باقی گذاشته و سرانجام اینکه مبارزه با این روند نیز نه ممکن است و نه سودمند؛ اما راه چاره در پذیرش بی‌چون و چرای تبعات چنین روندی و یا در مخالفت بی‌چون و چرا با آن هم نیست.

دیدگاه زن‌باوران، بر این است که برخی مکاتب امنیتی، تنها برداشتی ناقص از مسائل امنیتی ارائه می‌دهند و باید به گونه‌ای تکمیل شوند که از یک سو علایق خاص زنان به عنوان گروهی مرتبط با امنیت بین‌المللی را به رسمیت بشناسند و از سوی دیگر، گرایش‌های مفهومی که در این حوزه به نفع یک جنس خاص وجود دارد (گرایش مردسالارانه) را برملا سازد (Brown, 1988: 461). در ایران، زنان همیشه نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت کشور به‌ویژه در دفاع مقدس داشته‌اند. زنان در انتخابات‌های برگزار شده، نقش اصلی و اساسی را ایفا کرده‌اند و همواره حضور آنها در تقویت قدرت ملی در همه عرصه‌ها محسوس بوده است. زنان در ج.ا. ایران در ایجاد و دوام اقتصاد خانواده و انسجام آن نقش بارزی را ایفا می‌نمایند. بدیهی است که در چنین جامعه‌ای جنسیت و امنیت باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

تفاوت طبقاتی در برخورداری از رفاه عمومی همیشه با فقر همراه است. فقر، پدیده‌ای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی است که آثار متنوعی در جامعه ایجاد می‌کند، در صورتی که برای تأمین نیازهای اولیه و متعارف زندگی، حداقلی از درآمد تعیین شود، شرایط زندگی پایین‌تر از این حد، فقر نامیده می‌شود. افزایش جمعیت دهک‌های پایین اقتصادی نسبت به دهک‌های بالا، خطر فقر را افزایش می‌دهد. فقر موجب تشدید نابرابری‌ها شده و آثار دیگری مانند افزایش خشونت‌ها را در پی دارد که سایر ابعاد و مؤلفه‌های قدرت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از شاخص‌های رفاه که به سطح درآمد، امید به زندگی و... نیز ارتباط پیدا می‌کند، نرخ بیکاری است. بیکاری به معنای عدم اشتغال نیروهای آماده به کار می‌باشد. دو رقمی شدن نرخ بیکاری و عدم واپایش آن، از تهدیدهای مهم اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌رود که آثار امنیتی نامطلوب در پی خواهد داشت.

• تجزیه و تحلیل آماری نتایج به‌دست آمده از نظرسنجی مؤلفه‌های تغییرات جمعیتی

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-------------|-------------------------|-----------|----------|---------|---------|---------|
| میزان جمعیت | فراوانی درصد فراوانی | ۴۰ ٪۸۰ | ۵ ٪۱۰ | ۴ ٪۸ | ۱ ٪۲ | ۰ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به‌دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونه آماری، معتقدند که میزان جمعیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۴۰ نفر (٪۸۰) خیلی زیاد، تعداد ۵ نفر (٪۱۰) زیاد، تعداد ۴ نفر (٪۸) متوسط، تعداد ۱ نفر (٪۲) کم. بنابراین ۹۰٪ افراد نمونه آماری، تأثیر میزان جمعیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را

خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری، تأثیر آن را کم دانسته‌اند و هیچ‌کدام از نمونه آماری این تأثیر را خیلی کم ندانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-------------------------|--------------|-----------|------|-------|----|---------|
| کاهش جمعیت یا رشد جمعیت | فراوانی | ۳۹ | ۶ | ۲ | ۲ | ۱ |
| | درصد فراوانی | ٪۷۸ | ٪۱۲ | ٪۴ | ٪۴ | ٪۲ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونه آماری، معتقدند که کاهش شدید جمعیت یا رشد بی‌رویه جمعیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۳۹ نفر (٪۷۸) خیلی زیاد، تعداد ۶ نفر (٪۱۲) زیاد، تعداد ۲ نفر (٪۴) متوسط، تعداد ۲ نفر (٪۴) کم، تعداد ۱ نفر (٪۲) خیلی کم. بنابراین ۹۰٪ افراد نمونه آماری، تأثیر آن را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را خیلی کم دانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|---|--------------|-----------|------|-------|----|---------|
| مهاجرت جمعیت از روستا به شهر و توسعه شهرنشینی | فراوانی | ۳۶ | ۶ | ۴ | ۲ | ۲ |
| | درصد فراوانی | ٪۷۲ | ٪۱۲ | ٪۸ | ٪۴ | ٪۴ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونه آماری، معتقدند که مهاجرت جمعیت از روستا به شهر و توسعه شهرنشینی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۳۶ نفر (٪۷۲) خیلی زیاد، تعداد ۶ نفر (٪۱۲) زیاد، تعداد ۴ نفر (٪۸) متوسط، تعداد

۲ نفر (۴٪) کم، تعداد ۲ نفر (۴٪) خیلی کم. بنابراین ۸۴٪ افراد نمونه آماری آن را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۴٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را خیلی کم دانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|--------|--------------|-----------|------|-------|----|---------|
| مهاجرت | فراوانی | ۴۰ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| | درصد فراوانی | ٪۸۰ | ٪۸ | ٪۶ | ٪۴ | ٪۲ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونه آماری، معتقدند که مهاجرت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۴۰ نفر (۸۰٪) خیلی زیاد، تعداد ۴ نفر (۸٪) زیاد، تعداد ۳ نفر (۶٪) متوسط، تعداد ۲ نفر (۴٪) کم، تعداد ۲ نفر (۲٪) خیلی کم. بنابراین ۸۸٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۴٪ افراد نمونه آماری، تأثیر آن را کم دانسته‌اند و هیچ‌کدام از نمونه آماری تأثیر آن را خیلی کم ندانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-------------------------------|--------------|-----------|------|-------|----|---------|
| جوان شدن جمعیت و دگرگونی نسلی | فراوانی | ۳۹ | ۶ | ۲ | ۲ | ۱ |
| | درصد فراوانی | ٪۷۸ | ٪۱۲ | ٪۴ | ٪۴ | ٪۲ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونه آماری، معتقدند که جوان شدن جمعیت و دگرگونی نسلی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۳۹ نفر (۷۸٪) خیلی زیاد، تعداد ۶ نفر (۱۲٪) زیاد، تعداد ۲ نفر (۴٪) متوسط، تعداد ۲ نفر (۴٪)

کم، تعداد ۱ نفر (۲٪) خیلی کم. بنابراین ۹۰٪ افراد نمونه آماری، تأثیر جوان شدن جمعیت و دگرگونی نسلی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را خیلی کم دانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|------------------------|-------------------------|-----------|----------|---------|---------|---------|
| تغییرات در جنسیت جمعیت | فراوانی درصد فراوانی | ۳۶ ٪۷۲ | ۸ ٪۱۶ | ۳ ٪۶ | ۲ ٪۴ | ۱ ٪۲ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونه آماری، معتقدند که تغییرات شدید در جنسیت جمعیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۳۶ نفر (۷۲٪) خیلی زیاد، تعداد ۸ نفر (۱۶٪) زیاد، تعداد ۳ نفر (۶٪) متوسط، تعداد ۲ نفر (۴٪) کم، تعداد ۱ نفر (۲٪) خیلی کم. بنابراین ۸۸٪ افراد نمونه آماری، تأثیر آن را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را خیلی کم دانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-------------------------------|-------------------------|-----------|----------|---------|---------|---------|
| تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان | فراوانی درصد فراوانی | ۴۰ ٪۸۰ | ۵ ٪۱۰ | ۲ ٪۴ | ۲ ٪۴ | ۱ ٪۲ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ‌دهندگان نمونه آماری، معتقدند که تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۴۰ نفر (۸۰٪)

خیلی زیاد، تعداد ۵ نفر (۱۰٪) زیاد، تعداد ۲ نفر (۴٪) متوسط، تعداد ۲ نفر (۴٪) کم، تعداد ۱ نفر (۲٪) خیلی کم. بنابراین ۹۰٪ افراد نمونه آماری، تأثیر آن را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را خیلی کم دانسته‌اند.

| مؤلفه | طیف | خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-------------------------------|-------------------------|-----------|----------|---------|---------|---------|
| سطح رفاه عمومی و فاصله طبقاتی | فراوانی درصد فراوانی | ۴۳ ٪۸۶ | ۵ ٪۱۰ | ۱ ٪۲ | ۱ ٪۲ | ۰ |

تشریح: با توجه به جدول و نمودار بالا، نتایج به دست آمده بیانگر این مطلب است که ۵۰ نفر پاسخ دهندگان نمونه آماری، معتقدند که سطح رفاه عمومی و فاصله طبقاتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به میزان زیر تأثیرگذار است: تعداد ۴۳ نفر (۸۶٪) خیلی زیاد، تعداد ۵ نفر (۱۰٪) زیاد، تعداد ۱ نفر (۲٪) متوسط، تعداد ۱ نفر (۲٪) کم. بنابراین ۹۶٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را خیلی زیاد و زیاد دانسته‌اند. همچنین فقط ۲٪ افراد نمونه آماری تأثیر آن را کم دانسته‌اند. هیچ‌یک از جامعه آماری تأثیر آن را خیلی کم ندانسته‌اند.

نتیجه‌گیری

در بررسی نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران مکتب سازه‌انگاری می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که امنیت ملی «به معنی توانایی جامعه برای حفظ خصوصیات اساسی فرهنگی و اجتماعی خود در برابر تحولات و تهدیدهای بالقوه یا بالفعل است. امنیت اجتماعی و فرهنگی نیز به معنای دوام الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، کار جمعی، و هویت و عادات مذهبی و ملی و تناسب جمعیتی در چارچوبی مقبول برای رشد و

تکامل است. بر این اساس، امنیت جامعه، زمانی به خطر می‌افتد که جامعه احساس کند هویتش به خطر افتاده است و در صدد حفاظت از آن برآید. همچنین بر اساس دیدگاه سازه‌انگاران باید نتیجه گرفت که سرچشمه امنیت و ناامنی در چگونگی تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوع‌ها، به‌ویژه منافع و تهدیدها می‌باشد و هر اندازه، ادراکات و منطق متقابل بازیگران (دولت و جامعه) نسبت به پدیده‌ها و موضوع‌ها، نامتجانس‌تر و متناقض‌تر باشد، میزان بی‌اعتمادی بین آنها افزایش بیشتری می‌یابد و دولت، بیشتر به سوی خودیاری و خودمحوری حرکت می‌نمایند، اما چنانچه بتوان ساختاری از دانش مشترک ایجاد نمود، آنگاه می‌توان کشور را به سوی جامعه امنیتی صلح‌آمیزتری پیش بُرد.

عوامل رشد هویت قومی، عواملی مانند رقابت بر سر منابع، استعمار داخلی، انتخاب حساب‌گرانه، رقابت نخبگان، کثرت‌گرایی فرهنگی و شرایط نظام بین‌المللی، رشد هویت‌های قومی و محلی در شرایط کنونی، سیاست‌های تبعیض‌آمیز (هرچند ناآگاهانه) توسعه‌ای و نابرابری فرصت‌های رشد در مناطق مختلف کشور هستند که موجب شکل‌گیری ذهنیت‌های اشتباه فراوانی شده است.

منشأ شکل‌گیری و تشدید اختلاف‌ها در مناطق قومی، بیشتر مسائل فرهنگی و در سایر مناطق نیز عواملی از جمله تقسیمات کشوری، تفاوت‌های محلی، رقابت‌های منطقه‌ای و یا رقابت‌های سیاسی و نیز مشکلات ناشی از کمبود آب و مرتع می‌باشد. با توجه به شرایط کشور، مناسب‌ترین الگوی سیاست قومی، تقویت همبستگی و انسجام ملی است. نائل آمدن به چنین وضعیت مطلوبی باید هدف اصلی سیاست قومی و نیز هدف‌های کلان سیاست‌گذاری فرهنگی در نظر گرفته شود.

برای رفع تهدیدهای احتمالی علیه امنیت ملی و انسجام ملی باید در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و نوع تصمیم‌گیری‌ها، نوع نگاه به این مناطق تغییر کرده و نگاه‌ها از یکسان‌سازی به یکسان‌نگاری تغییر پیدا کند.

تا مدت‌ها، رشد جمعیت و وجود افراد بیشتر در یک قبیله، شهر، ایالت و کشور به معنی امنیت بالاتر بود، اما گذر زمان و پیدایش شرایط جدید، گرچه در بُعد خارجی این ایده را به مبارزه نطلبیده، اما در بُعد امنیت داخلی به شدت درستی چنین تصویری را زیر سؤال برده است.

مردم در محیط و محل سکونت خود نیاز به امنیت دارند و نبود و یا کاهش میزان امنیت، تأثیر مستقیمی بر ساختار و تراکم جمعیت در مناطق مختلف می‌گذارد. در محیط‌های کم جمعیت همچون شهرهای کوچک و روستاها که سطح آشنایی مردم با یکدیگر بالاست (حتی تا چند نسل گذشته یکدیگر را می‌شناسند)، خود به خود، نوعی نظارت اجتماعی غیررسمی بر ساکنان اعمال می‌شود که در جلوگیری از ناهنجاری‌ها مؤثر است.

مهاجرت نخبگان در ارتباط با دو شیوه توسعه صنعت‌گرایی و اطلاعات‌گرایی از جهت فرصت‌ها، تهدیدها و راهکارها، متفاوت است. در شیوه صنعت‌گرایی، وجود نیروی انسانی متخصص در محل (داخل مرزهای کشور) ضروری است و بنابراین مهاجرت آن، تهدیدی برای برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود. به‌همین دلیل برای ایجاد و حفظ فرصت و جلوگیری از به مخاطره افتادن توسعه، باید از نیروی متخصص در چارچوب مرزهای کشور بهره گرفت و در صورت مهاجرت باید برای بازگشت یا جایگزین‌سازی آن تلاش نمود. در حالی‌که در شیوه توسعه اطلاعات‌گرایی با توجه به دگرگونی در منبع تولید (دانش اطلاعاتی) و ناپدید شدن مرز زمان و مکان، شکل‌گیری جامعه‌ای متشکل از شبکه‌های به هم پیوسته الکترونیکی، از طریق فناوری ارتباط الکترونیکی می‌تواند فرصت‌ساز باشد. در مورد حل مشکل مهاجرت نخبگان در ایران با توجه به وسعت و گستردگی این مسئله و تأثیر انکارناپذیر آن بر فرصت توسعه کشور، در درجه اول بازگشت نخبگان که متناسب با شیوه توسعه صنعت‌گرایی است، پیشنهاد می‌شود، اما از آنجا که تحقق چنین راهکاری با وجود ضرورت جذب نیروهای

متخصص، متناسب با امکانات محدود موجود نیست، بهره‌گیری از راهکارهای «استفاده از تخصص» مهاجران که متناسب با شیوه توسعه اطلاعات‌گرایی است، به‌مثابه راهکار مکمل پیشنهاد می‌شود.

به‌کارگیری همزمان این دو راهکار نیز منافاتی با یکدیگر نداشته و امکان مضاعفی در اختیار کشور قرار می‌دهد، اما استفاده از هر دو راهکار نیازمند توانمندی و امکانات مضاعفی است که از ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فناورانه باید برای آن چاره‌اندیشی نمود. در راستای افزایش تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در راستای ارتقای سطح امنیت ملی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- (۱) تلاش برای تبیین نقش محوری ولایت فقیه در حفظ و تحکیم یکپارچگی ملی،
- (۲) هماهنگی فعالیت سازمان‌های مرتبط به‌منظور تشکیل کارگاه‌های آموزشی روابط بین فرهنگی،
- (۳) توسعه فعالیت‌های اردوگاهی در سطح استان‌های محروم و حاشیه‌نشین،
- (۴) حمایت و ایجاد هماهنگی در مطالعات مستمر و مقطعی به‌منظور دستیابی به راه‌های گسترش وفاق ملی و شناسایی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن،
- (۵) تأکید بر میراث فرهنگی یا پیشینه تاریخی،
- (۶) تأکید بر زبان فارسی (البته نباید به‌معنای جلوگیری از کاربرد دیگر زبان‌ها باشد) و ارتقای سطح آموزش و پرورش،
- (۷) حساسیت‌زدایی در خصوص رشد مطبوعات محلی، موسیقی محلی و پوشش‌های محلی و پرهیز از بی‌هویت کردن زبان و فرهنگ بومی،
- (۸) تقویت صدا و سیما در مناطق قومی،
- (۹) تأکید بر مفاهیم جوهری اسلام و پرهیز از سیاسی کردن مذهب در میان اقوام،
- (۱۰) برابری در فرصت دستیابی به مقام‌های سیاسی و اداری و انتخاب توأم با اطمینان به مسئولان محلی،

- (۱۱) برابری در فرصت‌های اساسی مانند تحصیلات، اشتغال، امکانات رفاهی و تساوی در حقوق و دستمزد،
- (۱۲) آگاهی بخشی درباره مسائل فراملی به‌ویژه دخالت بیگانگان و تقویت روابط با کشورهای همسایه،
- (۱۳) جلوگیری از ترویج کاذب رقابت‌های قومی و بسط مشارکت سیاسی نهادینه‌شده،
- (۱۴) توجه به عمران و توسعه مناطق مرزی و قوم‌نشین و کاهش محرومیت‌ها در مناطق قومی،
- (۱۵) تلاش در جهت کاهش فاصله طبقاتی در جامعه و افزایش سطح رفاه عمومی،
- (۱۶) ایجاد ارتباط فیزیکی و شبکه‌ای با نخبگان ایرانی خارج از کشور و پشتیبانی همه‌جانبه از نخبگان داخلی،
- (۱۷) کمک به بازگشت از نخبگان در قالب شیوه توسعه صنعت‌گرایی و اطلاعات‌گرایی،
- (۱۸) برنامه‌ریزی در جهت تغییر جمعیت متناسب با منابع و امکانات موجود،
- (۱۹) توجه به تحصیل، اشتغال، بیکاری، مسکن، کشاورزی و دامداری، امور جوانان و غیره در روستاها و پیشگیری از مهاجرت بی‌رویه به شهرها و توسعه حاشیه‌نشینی.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. ابوطالبی، علی (پاییز ۱۳۷۸)، حقوق اقلیت‌ها، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال اول، شماره یکم.
۲. الطایبی، علی (۱۳۷۸)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران، نشر شادگان.
۳. بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. تافلر، الوین (۱۳۷۷)، *جایه‌جایی در قدرت*، ترجمه شهین‌دخت خوارزمی، چاپ هفتم، تهران، سیمرغ.
۵. تقی‌پور، سیدمحسن (۱۳۸۷)، مؤلفه‌های پایدار فرهنگی در امنیت ملی ج.ا.ایران، *فصلنامه مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری*، شماره ۳.
۶. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، *مطالعات امنیتی نوین*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۶)، تنوع قومی، سیاست چندفرهنگی و الگوی شهروندی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۵.
۸. توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۳)، تأثیرات جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۹۸ - ۱۹۷.
۹. تهامی، سیدمجتبی (۱۳۸۸)، *ابعاد اجتماعی و فرهنگی امنیت ملی*، تهران، نشر آجا.
۱۰. حافظ‌نیا، محمد (۱۳۷۹)، *مبانی مطالعات سیاسی و اجتماعی*، جلد دوم، قم، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۱۱. خلیلی، رضا (زمستان ۱۳۸۰)، مهاجرت نخبگان در عصر اطلاعات، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱۴.
۱۲. خزایی، علی‌اکبر (بهمن ۱۳۸۸)، امنیت فرهنگی، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، سال هفتم، شماره ۸۱.
۱۳. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، *پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ اول، تهران، آگاه.
۱۴. ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۶)، ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اتحاد و همبستگی ملی، در: *مجموعه مقالات همایش همبستگی و اتحاد ملی*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۵. روشندل، جلیل (۱۳۸۸)، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، تهران، سمت.
۱۶. شهلائی، ناصر و دیگران (۱۳۸۸)، *نظریه‌های راهبردی*، تهران، انتشارات دافوس آجا.
۱۷. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)، *مدیریت منازعات قومی در ایران*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۸. صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۷۸)، عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی، مندرج در: *وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۹. عبدا... خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات ابرار معاصر تهران.
۲۰. عبدا... خانی، علی (۱۳۸۶)، *فرهنگ استراتژیک*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
۲۱. عسگری، محمود (۱۳۹۰)، *فرهنگ راهبردی ج.ا. ایران*، نامه دفاع، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
۲۲. عطازاده، مجتبی (۱۳۸۷)، *پویا امنیتی رشد جمعیت در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵ و ۶.
۲۳. گروه مطالعات امنیت (۱۳۸۷)، *تهدیدات قدرت ملی: شاخص‌ها و ابعاد*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۴. ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۵. هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، *سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی، سیاست خارجی*، سال هفدهم، شماره ۴.

۲. منابع انگلیسی

1. Brown, S (1988), *Feminism International Theory and International Relation of Gender Inequality*, *Millennium*, 17.
2. Buzan, Barry, Ole Waever, Jaap de Wild (1998), *Security: A New Framework for Analysis*, London, Lynner Publishers.
3. Lippman, Walter (1943), *US Foreign Policy, Shield of Republic*, Boston, Little Brown and Co.
4. Terrif, Terry (ed)(1999), *Security Studies Today*, USA, Blackwell Publisher.